

بینش معنوی - ۵۸

نگارش

مهدی کمپانی زارع

والا و درسه عشق

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

مولانا و مدرسه عشق

تحقیق مستقل و جامع از

سازش نزد مولانا

نگارش

مهدی کمپانی زارع

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / دبیر مجموعه: مصطفی ملکیان
برای ارسال: ارسال به آدرس / حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)
لیتوگرافی: لیتو / چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۲ / شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
۳۵۰۰۰ تومان / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۵۰-۸

کتابنامه

نشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک مینا - فاز ۲، مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ پست الکترونیک: negah_e_moaser@yahoo.com

سرشناسه	کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۹۹
عنوان و نام پدیدآور	مولانا و مدرسه عشق / تحقیق مستقل و جامع از مسأله عشق نزد مولانا / نگارش مهدی کمپانی زارع
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	۷۰۰ ص.
فروست	بینش معنوی؛ ۵۸
شابک	978-600-5747-50-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. - عشق.
موضوع	عشق (عرفان).
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۱ ک ۸ ع ۵ / PIR ۵۳۰۷
رده‌بندی دیوبی	۸ قا ۱/۳۱

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: سیری در سبب عشق
۱۵	— دشواری‌های به‌کارگیری مفهوم عشق در فرهنگ اسلامی
۶۶	— هم‌نشینی عشق عرفانی و فلسفی
۷۹	فصل دوم: درنگ‌نجد عشق در گفت و شنید (دشواری‌های سخن گفتن از عشق)
۸۱	مقدمه
۸۵	۱. بی‌نهایتی عالم عشق
۹۱	۲. غیرت عشق
۹۵	۳. حیرت عقل در مواجهه با حقیقت عشق
۹۷	۴. دگرگونی احوال عاشق
۱۰۰	۵. مخاطبان ناآشنا با عشق
۱۰۷	۶. نارسایی زبان
۱۱۳	۷. مصلحت نظام هستی
۱۱۵	۸. گوینده حقیقی معشوق است نه عاشق
۱۱۷	مولانا و سخن عشق
۱۲۳	فصل سوم: مفهوم‌شناسی عشق
۱۲۵	مقدمه

عشق الهی.....	۱۲۶
۱. عشق خداوند به خود.....	۱۲۷
۲. عشق خداوند به مخلوقات خود.....	۱۳۵
عشق الهی و مسأله زبان.....	۱۵۴
عشق انسانی.....	۱۶۵
عشق به خود.....	۱۶۶
عشق انسان به دیگران (خدا و انسان دیگر).....	۲۰۲
۱. حیرت در مقابل معشوق.....	۲۰۳
۲. مایه عشق.....	۲۱۵
۳. یگزین پذیر بودن معشوق.....	۲۲۴
۴. توجه معشوق.....	۲۳۱
۵. ایجاد تمیز زری در احوال مختلف وجود عاشق.....	۲۴۰
۶. ایجاد رنج عشق برای عاشق.....	۲۴۶
عشق کیهانی.....	۲۵۲
فصل چهارم: عشق معراجی است سوء معطن جمال (رابطه عشق و زیبایی)..... ۲۶۱	
زیبایی و عشق خدا به ذات و مخلوقات.....	۲۶۳
زیبایی و عشق انسانی.....	۲۶۹
فصل پنجم: عشق حقیقی و عشق مجازی..... ۳۴۳	
فصل ششم: عاشق..... ۳۸۱	
قیامت عشق در وجود عاشق.....	۳۸۳
عشق و نفس اماره.....	۳۹۳
درمان شدن رذایل عاشق.....	۴۰۵
عشق و تعالی متعلقات صفات پست آدمی.....	۴۱۶
عاشقی و فضایل نفسانی.....	۴۲۷
۱. ثبات قدم.....	۴۳۱
۲. عاشق برتر از سود و زیان و مزدخواهی.....	۴۳۵
۳. شجاعت در مواجهه با مرگ.....	۴۴۰

۴۵۱	۴. تواضع و خود ندیدن.....
۴۵۷	۵. راضی بودن به قضای عشق و تسلیم در مقابل اوامر آن.....
۴۶۹	۶. عاشق اهل صلح است و مدارا.....
۴۹۵	۷. عاشق اهل جود و کرم و سخاوت است.....
۵۰۸	۸. عاشق دائم‌الذکر و دور از غفلت است.....
۵۲۰	حوال اطوار عاشق.....
۵۲۵	۱. خون و دیوانگی.....
۵۳۷	وفاداری.....
۵۵۹	۳. تلاطم.....
۵۸۱	۴. بیرو شدن عشق از امور متضاد.....
۵۸۷	فصل هفتم: معشوق.....
۵۸۹	تصاویر مختلف معشوق.....
۶۱۳	فراق و وصال معشوق از.....
۶۲۲	فراق معشوق و احوال عاشق.....
۶۳۳	فصل هشتم: عقل و عشق.....
۶۳۶	معانی عقل در آثار مولانا.....
۶۳۴	ویژگی‌های عقل جزوی و کلی.....
۶۵۷	نسبت عقل و عشق.....
۶۶۵	مؤخره: آنچه عشق می‌تواند.....
۶۷۳	عشق، بقا و جاودانگی.....
۶۷۶	عشق و دینداری.....
۶۷۷	عشق و تحول در جهان‌نگری.....
۶۸۷	□ کتابنامه.....
۶۹۵	□ نمایه اعلام.....

پیشگفتار

یک بدون در «عشق» فراگیرترین و مهمترین مسأله‌ای است که روان و زبان مولانا جلال‌الدین مومند بی‌بدان مشغول بوده است. او خود در تجربه‌ای نزدیک و شگفت به دیدار اسمی در راه یافت و بر مرکب آن سوار شد و همه عوالم زیرین و زبرین را در درون خود با هر بوستانی، خرمنی و از هر گلی، شاخه‌ای برای دوستان دور از بوستان به او غلّه آورد. بیان ژرف و گرم او هرچند از تأثیر گذشتگان بی‌بهره نبود، اما بیش از پیش از همه متأثر از ژرفا و گرمای عالمی بود که او در آن زیست می‌کرد. عمق حرکات جهان او در زبانش تجلی یافت و کمندی شد بر گردن قرون و اعصاری که سخن گفتن خود را برای آنان می‌دانست. دوستدارانش با یاری جستن از کلامش او را «سلطان عشق» نامیدند و سخنش را در عشق‌شناسی و معشوق‌پرستی فصل الخطاب نامیدند. گویی سخن عشق در عالم با او آغاز شده بود که هر جا سخن از عشق و عاشقی می‌آمد، او از مولانا و عاشقانه‌هایش سخن می‌رفت. اما واقع این بود که مولانا علاوه بر سفره تجارب خود، بر خوان پرنعم پیشینیان نشسته بود و نهنگ‌وار دریانوی و کوه‌نوی و همه چیز را در هاضمه فاهمه خود به خویش پیوند می‌داد. او در سبخت گذشتگان را در عشق‌شناسی رنگ و بویی داد که خود صاحبان آن مائده‌های آسمانی نیز چنین علو و رفعتی را گمان نداشتند. اگر همه اعصار به مولانا و عاشقانه‌هایش مشتاق بودند، قرن ما به سخنان وی در باب عشق سخت محتاج است. در این روزگار که کلمه عشق در هر مصاحبت و مناسبتی به کار می‌رود

است نوشته خود را بر یک اثر مانند مثنوی معنوی متمرکز نه ساخته و کوشیده که از همه آثار مولانا در تبیین اندیشه‌های وی استفاده کند.

۳. در نگارش این اثر خواسته نگارنده به این تعلق گرفته که گرما و ژرفای سخن مولانا به خواننده منتقل شود و از این رو در بیشتر مواضع سعی شده که به جای تحلیل‌های طولانی، بستری را فراهم آوریم که خواننده نسبت میان سخنان مولانا را در مواضع مختلف آثارش با مراجعه مستقیم به آثار وی دریابد. البته این مطلب به این معنا نیست که نگارنده در این کتاب از روش تحلیلی سود نجسته، در برخی موارد که نیازمند ایضاح مفاهیم و روشنگری در باب مدعیات و استدلال‌ها، مولانا بوده‌ایم به تحلیل روی آورده و از آن سود جست‌ه‌ایم.

۴. با این قصه او به این اثر بررسی اندیشه‌های مولانا در باب عشق بوده، اما صاحب این اثر بر این نکته اکتفا نکرده که مولانا در این باب نیز مانند بسیاری از ابواب و مباحث دیگر بر بنیادهای گام نهاده که پیش از وی بزرگان دیگری هموار کرده‌اند. گذشته از این هر مسأله تاریخی کوتاه یا بلند مطرح شده و مواجهات مختلف با آن صورت پذیرفته است. بحث عشق نیز از این قاعده مستثنی نیست. این بحث سال‌ها پیش از ظهور اسلام در میان اندیشمندان مختلف ملل و نحل گوناگون مطرح بوده و بسیاری از سخنان بسینیا متأثر از مطالبی است که توسط ایشان مطرح شده است. نگارنده با علم به این نکته در فصل نخستین اثر، مواجهه تاریخی مسلمانان با عشق را مورد بررسی قرار داده است. در این فصل سعی بر آن بوده که نشان دهیم آنچه نزد کسی چون مولانا «عشق» نامیده شده، به هیچ‌روی از همان ابتدا «عشق» نبوده است و این واژه و مفهوم سری‌سری و عجیب را از سر گذرانده تا توانسته جایگاه خود را به عنوان امری مقدس و متعالی مطرح کند. خواندن این فصل بر خواننده واضح می‌کند که چرا بسینیا از متعریفان همواره از به کار بردن کلمه عشق به ویژه در باب خداوند متعال ابا برد و چه جد و جهدهایی برای مقابله با این جماعت صورت پذیرفته است. کسانی که می‌خواهند تنها با اندیشه‌های مولانا در باب عشق مواجه شوند نیازی به خواندن این فصل ندارند.

۵. هر چند مطالب فصول مختلف این اثر به هم مرتبطند، اما سعی بر آن بوده

که مطالب هر فصل به گونه‌ای مطرح شود که به تنهایی نیز بتوان هریک از فصول را در مضامین گرفت. این امر موجب شده که برخی از مطالب در بعضی از فصول تکرار شود.

۶. در باب نام این اثر نیز به سخنان مولانا نظر داشته‌ایم. او عالم را مدرسه‌ای می‌داند که مُدَرِّسِ آن خداوند متعال است و ما انسان‌ها شاگردان این مدرسه‌ایم. سرانجام نیز تمرین و تکرارهای این شاگردان مدرسه عشق است:

مدرسه، عشق و مُدَرِّس، ذوالجلال ما چو طالبِ علم و این تکرار ماست^۱

و چنان که مدرس بقیه را بُرون‌شوفاست بدان که مدرسه عشق را قوانین است^۲

عاشقان را شد آن خدای دوست دَفَتَر و دَرس و سَبَقشان رویِ اوست
خاموشند و نعره تکرارشان می‌رود تا عرش و تختِ یارشان
دریشان آشوب و چرخ و رقص نه زبادات است و باب و سلسله^۳

علاوه بر اینکه مطالبی که مولانا در این عشق گفته خود مکتب و مدرسه‌ای است که می‌تواند شاگردان خود را به کمال معنوی برساند.

چهار) خداوند متعال را سپاسگزارم که برای دیگران فرصت و رخصت را به این بنده کوچک خود داد تا از اندیشه‌های ژرف و ناب یکی از اولیای بزرگش سخن بگویم:

این همه گفتیم، لیک آن‌دَرِ بسیج بی‌عنیایاتِ خدا چویم، هیچ
بی‌عنیایاتِ حق و خاصانِ حق گر مَلک باشد، سیلِ عشقِ رَزَق
ای خُدا ای فَضلی تو حاجتِ رَوا با تو یاد هیچ کس نماند
این‌قَدَرِ ارشاد، تو بخشیده‌ای تا بدین بس عیبِ ما پوشیده
قطره‌ی دانش که بخشیدی ز پیش مُتَّصِلِ گردان به دریاها ی خویش
قطره‌ی علم است اندرِ جانِ من و از هاتش از هوا و ز خاکِ تن

۱. دیوان شمس تبریزی، غزل ۴۲۹. ۲. همان، غزل ۴۷۹.

۳. مثنوی معنوی، دفتر سوم، ابیات ۳۸۴۹-۳۸۴۷.

پیش از آن کاین خاکها خسفش کنند پیش از آن کاین باده‌ها تشفش کنند
گرچه چون تشفش کند تو قادری کیش از ایشان و ایستانی، و آخری
قطره‌ای کاو در هوا شد یا که ریخت از خزینه‌ی قُدرتِ تو، کی گریخت؟

مهدی کمپانی زارع

۱۳۹۱/۶/۲۸

شیراز

Jmolavi1359@gmail.com

www.ketab.ir